

عوامل اجتماعی موثر بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران

مریم خانعلی زاده بنا^۱، محمد باقر تاج الدین^۲

از صفحه ۲۱ تا ۵۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۲۱/۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۲

چکیده

خشونت یکی از مهمترین عواملی است که تهدید جدی برای سلامتی و حقوق افراد جامعه محسوب می شود و پیامدهای منفی جبران ناپذیری دارد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ارتباط بین متغیرهای احساس محرومیت اجتماعی، مدارای اجتماعی و سرمایه اجتماعی و همچنین شاخص های آنها به عنوان متغیرهای مستقل و بروز خشونت به عنوان متغیر وابسته می باشد. روش پژوهش حاضر پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه است. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر تهران بوده که تعداد ۴۰۰ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. یافته ها نشان داد که بین محرومیت اجتماعی و شاخص های آن (از خود بیگانگی، انزوای اجتماعی و عدم رضایت از زندگی) با بروز خشونت از سوی پاسخگویان ارتباط مثبت و مستقیم وجود دارد. همچنین بین مدارای اجتماعی و شاخص های آن (مدارای عمومی، مدارای قومی، مدارای دینی، مدارای ملیتی) و سرمایه اجتماعی و شاخص های آن (اعتماد و مشارکت) با بروز خشونت ارتباط منفی و معکوس وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش تأیید می شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (AMOS) نیز نشان دادند که متغیر مستقل مدارای اجتماعی با ضریب (-۰/۴۹) بیشترین تأثیر را بر میزان خشونت داشته است. همچنین متغیرهای احساس محرومیت اجتماعی با ضریب تأثیر (۰/۴۴) و سرمایه اجتماعی با ضریب تأثیر (-۰/۳۹) بر متغیر خشونت تأثیرگذار بودند.

کلید واژه ها: خشونت، مدارای اجتماعی، احساس محرومیت، سرمایه اجتماعی، فضای عمومی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران. Maryam_khanalizadeh@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول. mb_tajeddin@yahoo.com

فضای عمومی شهر صحنه نمایش زندگی روزمره مردم است و در تقابل با فضای زندگی خصوصی تعریف می شود. اهمیت فضای عمومی به دلیل نقشی است که در توسعه جامعه بازی می کند، به عبارتی چنانچه دسترسی برابر به عرصه عمومی برای همه جامعه فراهم شود تمایز و جدایی اجتماعی کاهش یافته و تنوع فرهنگی شکل گرفته و می تواند فضای عمومی را تبدیل به مکانی نماید که افراد و گروه های مختلف بتوانند با حضور خود در فرآیند رشد و پیشرفت جامعه مشارکت داشته باشند.

اما برخی عوامل و آسیب های اجتماعی مانند خشونت که در بستر فضای عمومی و در نتیجه تقابل افراد ایجاد می شوند می توانند سبب آسیب به این فضا و در نتیجه کاهش احساس امنیت اجتماعی برای شهروندان گردند چرا که در صورت افزایش خشونت در فضای عمومی نوعی احساس ترس از آسیب دیدگی و در نتیجه احساس عدم امنیت اجتماعی برای شهروندان ایجاد شده که این موضوع می تواند باعث کاهش مشارکت ایشان در فرآیند زندگی اجتماعی گردد.

برهمن اساس پژوهش حاضر باتوجه به پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی که خشونت می تواند به دنبال داشته باشد به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران به عنوان یک آسیب اجتماعی پرداخته است.

بیان مسئله

خشونت^۱ یکی از معضلات اجتماعی است که در تمام دوران زندگی بشر از گذشته تا امروز وجود داشته و می توان آن را پدیده ای همزاد جوامع بشری دانست. خشونت های ناشی از جنگ، کشتار، غارت، شکنجه و نظایر آن که معمولاً از جانب گروهی از افراد بر افراد دیگر اعمال می شده و خشونت را تبدیل به جزئی از زندگی روزمره بشر و وسیله ادامه زندگی و بقای گروه های گوناگون اجتماعی و برتری آنها بر یکدیگر کرده (حبیب زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱) تا جایی که انسان ذاتاً موجودی خشن تصور می شده است. اما با رشد و توسعه جوامع، فرهنگ، اخلاق و اهمیت یافتن مفاهیمی از قبیل احترام به حقوق انسانها در جوامع گوناگون به نظر می رسد

1. Violence

از میزان خشونت به شکلی که قبلاً شاهد آن بودیم کاسته شده باشد اما توسعه جامعه مدرن خصوصاً شهرها و تحولاتی که در سطح ساختار اجتماعی و مناسبات اجتماعی در دوران جدید به وجود آمد تمامی شئون و جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را متأثر ساخته و روابط انسان‌ها را در معرض تغییر و تحول قرار داد تا جایی که امروزه خشونت به عنوان رفتاری که با هدف آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند، دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده شده است. در واقع امروزه خشونت، رفتاری است که در همه کشورها مشاهده می‌شود و بر قربانیان آن همه روزه افزوده و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آن‌ها، به ویژه گروه‌های ضعیف‌تر و آسیب پذیرتری مانند زنان، کودکان، سال‌خوردگان و گروه‌های اقلیت که قربانیان ستم پذیرتر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی اند، می‌شود. اما گستردگی و فزاینده‌گی انواع خشونت در جامعه، علاوه بر قربانیان مستقیم آن، نزدیکان و دوستان قربانیان را نیز متأثر می‌کند و امنیت اجتماعی و سلامت روانی را به خطر می‌افکند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

در توضیح بیشتر باید گفت رفتارهای خشونت آمیز نوعی از اعمال خشونت علیه دیگران است که می‌تواند باعث آسیب یا صدمه به دیگران شود و عوامل روان شناختی، اجتماعی، بیولوژیکی و محیطی در ایجاد آن نقش دارند. عوامل اجتماعی و روان شناختی مانند محرومیت نسبی، از جمله متغیرهایی هستند که در بروز این پدیده اهمیت فراوانی دارند. خشونت بسته به نوع الگوی رفتاری می‌تواند تقسیم بندی‌هایی داشته باشد مثلاً حمله فیزیکی علیه خود، علیه اشیاء و دیگران. بسیاری رفتارها اگر چه ممکن است آسیبی ایجاد نکنند اما تهاجمی اند از جمله خشونت کلامی (سادوک^۱، ۲۰۰۳: ۱۵۸ - ۱۵۰). امروزه خشونت و ترس از خشونت، به عنوان نگرانی فراگیر در تمام جوامع مطرح شده است. نفوذ خشونت در زندگی روزمره در بسیاری از کشورها و شهرها به يك واقعیت تبدیل شده است؛ چنانکه با عناوین خشونت بومی، رایج و حتی رها شده توصیف می‌شود (ویتون، ۲۰۰۴: ۱۶۶) و این امر سبب می‌گردد تا احساس امنیت اجتماعی که به احساس روانی شهروندان از وجود یا عدم وجود جرم و انحراف در یک جامعه اشاره دارد، کاهش یابد.

Archive of SID

در جامعه ایران آمار سازمان‌هایی چون پزشکی قانونی، دادگستری و نیروی انتظامی از رشد قابل ملاحظه خشونت عیان و شدید حکایت دارد و گواه آن است که سالانه هزاران نفر جان خود را از دست می‌دهند و صدها هزار تن نیز دچار آسیب‌های مختلف جسمی و روانی می‌شوند. براساس اعلام پزشکی قانونی، به طور میانگین روزانه ۱۶۰۰ پرونده نزاع منجر به جرح در آن سازمان تشکیل می‌شود که در این میان تهران دارای بیشترین آمار در میان سایر استان‌ها می‌باشد. چنانکه از مجموع ۳۱۵۸۶۲ پرونده تشکیل شده در کل کشور در شش ماه نخست سال ۹۵؛ تعداد ۵۵۲۴۴ مورد مربوط به استان تهران بوده که ۱۸۹۵۸ مورد آن مربوط به زنان و ۳۶۲۸۶ مورد مربوط به مردان بوده است (سازمان پزشکی قانونی کشور، ۱۳۹۵). براساس آمارهای مرکز آمار ایران سالانه دست کم ۶۰۰ هزار ایرانی دعوا می‌کنند و سالانه به طور میانگین ۷۰ هزار پرونده نزاع و ضرب و جرح در حوزه استحضایی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). در کنار این آمار ثبت شده چنانکه ذکر شد بسیاری از اشکال خشونت مانند درگیری‌های لفظی، فحاشی، تحقیر و انواعی دیگر از خشونت‌های روانی که نمود بیرونی ندارند نیز وجود دارند که در کنار خشونت‌های فیزیکی ثبت شده می‌توانند نشان از گسترش پدیده خشونت چه در شکل روانی و چه در شکل فیزیکی آن داشته باشد و این افزایش خشونت چنانکه اشاره شد سبب کاهش احساس امنیت اجتماعی و در نتیجه کاهش مشارکت شهروندان به عنوان نیروهای فعال و موثر در راستای رشد و ارتقاء جامعه می‌شود چرا که احساس عدم امنیت منجر به ایجاد حس سرخوردگی و انزوا و نهایتاً کاهش حضور موثر شهروندان در عرصه عمومی می‌گردد.

بنابراین آنچه در این میان حائز اهمیت می‌باشد این است که چه عواملی سبب می‌شوند تا پدیده‌ای که چه به لحاظ قانونی و چه به لحاظ اجتماعی و اخلاقی پدیده‌ای نابهنجار تلقی می‌گردد و در مواردی با مجازات‌های قانونی همراه بوده و جرم تلقی می‌گردد در سطح جامعه گسترش یافته و افراد به شکل‌های مختلف با آن روبه‌رو شوند و یا دست به اعمال خشونت (فیزیکی - روانی) بزنند؟ پاسخ به این سوال شاید در مورد خشونت‌های خانگی به جهت تعداد زیاد پژوهش‌های انجام گرفته با موضوع خشونت علیه زنان، کودکان و یا سالمندان تا حدود زیادی روشن شده باشد، اما در حوزه عمومی و به ویژه در زمینه خشونت‌هایی که در

سطح شهر و در ارتباطات روزانه بین افراد چه به صورت روانی و چه به صورت فیزیکی اتفاق می افتند به رغم افزایش روزافزون آن، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این که خشونت در جامعه از علل و عوامل گوناگونی می تواند نشأت بگیرد که برخی از آنها روانی و فردی و برخی از آنها نیز می تواند ریشه اجتماعی داشته باشند، پژوهش حاضر در صدد پاسخ گویی به این سؤال است که کدام عوامل اجتماعی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران موثرند؟

چارچوب نظری پژوهش

براساس مطالبی که ذکر شد خشونت را به عنوان پدیده ای که به نوعی نقض کننده هنجارهای مرسوم و مورد قبول در جامعه است می توان نوعی کجروی دانست و باتوجه به اینکه در مورد منشاء رفتارهای خشونت آمیز انسان تاکنون تبیین جامع و یگانه ای ارائه نشده است، برای تبیین خشونت و علل وقوع آن می توان از نظریات مربوط به کجروی در سه حوزه زیست شناسی، روانشناسی و جامعه شناسی استفاده کرد. تبیین های زیست شناختی کانون اصلی توجه خود را ویژگی های فردی افراد قرار می دهند و سطح تحلیل آنها عمدتاً فردی است (وایت و هینز، ۱۳۹۵: ۵۹-۵۸). بر همین اساس کهن ترین و شناخته شده ترین تبیین در مورد خشونت انسان معطوف به این نگرش است که انسان به دلیل طبیعت زیستی اش تا حدودی برای ارتکاب خشونت برنامه ریزی شده است و انسان مانند انواع دیگر حیوانات دارای سائقی فطری برای دست زدن به خشونت است. در رویکرد روان شناسانه خشونت اساساً ناشی از یک سائق فراخوانده شده از بیرون برای آسیب رساندن به دیگران تعریف می شود. نظریه ناکامی - پرخاشگری که در آغاز از جانب روان شناسانی مانند دولارد^۱، دوب^۲، میلر^۳ و سیرز^۴ مطرح گردید از معروف ترین و رایج ترین نظریه ها درباره خشونت در رویکرد روانشناسی است که ناکامی را به عنوان عامل به وجود آورنده تمایلات خشونت آمیز در نظر می گیرد. این نظریه مبتنی بر مجموعه ای از دیدگاه های نظری است که خشونت در آنها برآیند فرایندی در نظر گرفته می شود که در خلال آن افراد از دست یابی به هدف یا اهداف خویش باز می مانند و

1. Dollard
2. Dobb
3. Miller
4. Sears

Archive of SID

احساس ناکامی در آنها شکل می گیرد. ناکامی حاصل از چنین فرایندی در نهایت سبب بروز حرکات و رفتارهای خشونت آمیز بین افراد می گردد. مهم ترین هدف یا اهدافی که به عنوان محور آسیب مورد توجه قرار می گیرند منبع یا منابع ناکامی هستند. بنابراین انسان هایی که دست به عمل خشونت آمیز می زنند، تحت تأثیر يك نوع محرومیت و ناامیدی در زمینه دستیابی به اهدافشان قرار می گیرند (سفیری، ۱۳۷۹: به نقل از عرب نژاد و یزدان پناه، ۱۳۹۰: ۷۶).

در رویکرد جامعه شناختی، خشونت در غالب نظریات مرتبط با کجروی تبیین می شود که این نظریات را براساس عوامل مؤثر بر خشونت به عنوان نوعی کجروی می توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول نظریاتی هستند که ذیل مفهوم تأثیر احساس محرومیت اجتماعی بر کجروی قرار می گیرند، به این معنی که نقطه اشتراک این گروه از نظریات این است که محرومیت به عنوان فقدان نسبی پاداش های جامعه ای نظیر حیثیت، قدرت، منزلت اجتماعی و فرصت های مشارکت در فعالیت های اجتماعی زمانی اتفاق می افتد که تفاوت میان انتظارات ارزشی که عبارتند از منافع و شرایطی از زندگی که مردم خود را در به دست آوردن آن ذی حق می دانند و توانایی های ارزشی که عبارتند از ظرفی که بحث مردم را برای به دست آوردن یا حفظ ارزش ها معین می کنند، ایجاد شود (لهسایی زاده، ۱۳۹۱: ۱۸). از مهم ترین نظریه پردازان در این زمینه می توان به امیل دورکیم، رابرت مرتون، کوهن و کلوارد و اوهلین و دیدگاه تضاد اشاره کرد.

طبق نظر آنومی امیل دورکیم هنگامی که آرزوهای انسان با امکان تحقق آنها هماهنگ نیست، فشارها موجب رفتار انحرافی نیرومندتری می شوند. وی موقعیت های گوناگون از جمله رکود ناگهانی، رونق ناگهانی و تغییرات سریع را عنوان می کند. مقصود او این بود که در این شرایط فرد آرزوهایی می کند که اگر رسیدن به آنها غیر ممکن نباشد، بسیار مشکل است. دورکیم عقیده دارد کجروی، ناشی از رکود ناگهانی است، زیرا وضعیت هایی از قبیل دسته بندی های مجدد شکل می گیرد که ناگهان افرادی را در موقعیتی پایین تر از قبل قرار می دهد، که لازم است افراد از درخواست های خود بکاهند و نیازهای خود را محدود کنند و یاد بگیرند که خود را بیشتر کنترل کنند، اما جامعه نمی تواند بی درنگ فرد را که به تعبیر دورکیم «متمايل به خشونت و منافع فردی است» (تنهایی، ۱۳۹۱: ۲۸۷) را با شرایط تازه

سازگار کند و به آنها خودسرکوبی ای را بیاموزد که هنوز به آن عادت نکرده اند. به این ترتیب با شرایطی که بر آنها تحمیل شده است سازگار نمی شوند. وقتی در کنار این شرایط اقتصادی غیرقابل تحمل عناصری مانند آرزوهای بلندپروازانه به تصویر کشیده می شوند ساختار پایدار نیازهای افراد درهم ریخته و شکل گیری آرزوهای بی حد که محصول این وضعیت و آغاز آنومی است توان کنترل را از نظام هنجارهای سنتی می گیرد و در چنین شرایطی که نیازهای فرد ارضا نمی شود، باتوجه به این فشارها و تمایل انسان به خشونت، رفتارهای خشونت آمیز به عنوان راهی برای خلاصی از این وضعیت تحمل ناپذیر بروز می کنند.

رابرت مرتون نیز در تبیین کجروی به این نکته اشاره کرد که جامعه با ایجاد ناهمخوانی میان اهداف مقبول و شیوه های دسترسی به آن، نیازهای متعارضی را ایجاد می کند. به عقیده مرتون جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی، به عنوان مهم ترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای منزلتی تجلی می کنند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس بخشی از افراد جامعه خارج است؛ یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست فرصت های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده، آن کس هم که دسترسی به ابزارهای مشروع ندارد تحت فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می کند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۴). بنابراین مرتون عدم دستیابی مشروع به اهداف را عامل کجرفتاری آنها می داند چرا که به نظر وی این شرایط سبب می گردد فرد خود را با دیگران مقایسه کند و در نتیجه این مقایسه نوعی احساس محرومیت نسبی ایجاد می شود که خود منجر به شکل گیری روابط اجتماعی منفی نظیر خشم می گردد.

نظر کوهن^۱ در تبیین کجرفتاری براین موضوع تأکید دارد که افراد منحرف و بزهکار، آرمان ها و اهداف مقبول اجتماعی فرهنگ جامعه را پذیرفته اند؛ ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی، دچار محرومیت شده و لذا آرمان های موفقیت و اهداف

Archive of SID

مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای بدست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه خرده فرهنگ بزهکاری به وجود می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۳). کلوارد و اوهلین از دیگر نظریه پردازانی هستند که معتقدند رابطه میان ارزش‌های فرهنگی از یک سو و فرصت‌های مشروع و نامشروع از سوی دیگر تعیین کننده انواع و فراوانی کجرفتاری است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۷). کلوارد و اوهلین معتقدند، همه طبقات اجتماعی از هدف‌های اولیه و یکسان فرهنگی برخوردارند (اهدافی مانند ثروت، موفقیت و امنیت)؛ اما در این میان، این طبقه کارگر است که به عنوان یک طبقه اجتماعی، از دسترسی به این غایت‌های مطلوب اجتماعی^۱ محروم می‌ماند. از نظر آنان، انواع فرصت‌های نامشروع و توزیع آنها محتوای خرده فرهنگ بزهکار را تعیین می‌کند. این خرده فرهنگ خود را در سه شکل مختلف نشان می‌دهد: خرده فرهنگ جنایتکار، خرده فرهنگ ستیزه جو، خرده فرهنگ گوشه گیر و انزواطلب. از دیدگاه کلوارد و اوهلین خرده فرهنگ ستیزه جو به زد و خورد و گریز گرایش دارد و قاعدتاً در مناطقی پدید می‌آید که در آن جوانان و نوجوانان فرصت ناچیز و قلیلی برای دسترسی به ساختارهای فرصت غیر مشروع در اختیار دارند. واکنش در برابر این وضعیت، تولید خشونت است که این محصول به جهت پاسخگویی به محرومیت تلقی می‌شود (وایت و هینز، ۱۳۹۵: ۱۶۳-۱۶۱).

نظریه پردازان تضاد اجتماعی تبیین کجروی را در درون بافت‌های اقتصادی و اجتماعی و با بیان ارتباطی پی می‌گیرند که میان طبقات کجرو و فرایند کنترل اجتماعی وجود دارد چنانکه به نظر کارل مارکس^۲ بیشتر بزهکاری‌ها و رفتارهای قانون شکنانه به وسیله طبقات پایین انجام می‌شود و این نه به دلیل تمایل و علل روان‌شناختی مربوط به فقرا و طبقات پایین است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقات پایین و فقرا اعمال می‌شود. به زعم این نظریه وجود تضادهای گسترده در جامعه و طبقاتی شدن انسان‌ها، باعث می‌شود تا افراد طبقه پایین دچار ازخودبیگانگی شوند و ازخودبیگانگی که به معنی احساس از دست دادن کنترل بر زندگی اجتماعی است احتمال اعمال قانون گریزانه را برای فرد فراهم می‌آورد که به طور جبری

1. Social ends.

2. Karl Marx

انجام می شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۹-۵۸).

□

۲۹

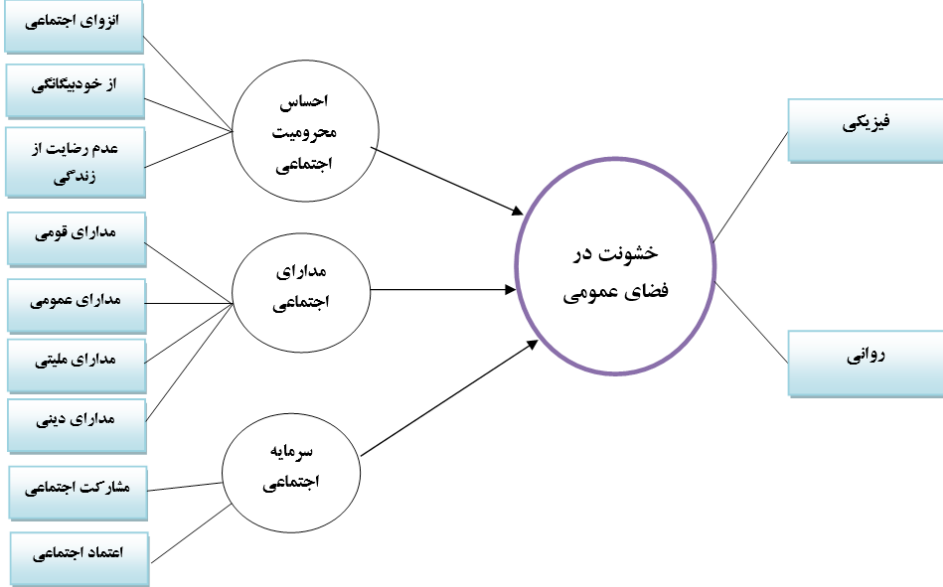
نظریه‌های مرتبط با تأثیر میزان سرمایه اجتماعی بر کجروی دسته دیگر از نظریه‌های تبیین کننده کجروی هستند که از مهم ترین آنها می توان به نظریه بی سازمانی اجتماعی اشاره کرد. نظریه بی سازمانی اجتماعی که در پی مطالعات دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ مکتب شیگاگو در آمریکا تکوین یافته است با تأکید بر روی عوامل اجتماعی و اقتصادی، به ویژه ساختار و سازمان اجتماعی جامعه و با استفاده از دو مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و مشارکت شهروندان به تبیین کجروی می پردازد. فرض اصلی بی سازمانی اجتماعی بر این است که عدم وابستگی به نهادها و سازمان های اجتماعی از قبیل خانواده و مدرسه موجب رفتار انحرافی می شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۷). به عبارت دیگر، این نظریه بر شرایط ساختاری و نوعی از سازمان اجتماعی تأکید می کند که نقطه مقابل اعتماد، مشارکت، همبستگی و پیوندهای اجتماعی است، شرایطی که در آن شبکه های اجتماعی ضعیف، مشارکت در جامعه کم و اعتماد نیز اندک است و این موضوع سبب می گردد تا افراد جامعه نسبت به یکدیگر بی اعتماد شده و احساس همبستگی میان آنها کاهش یابد. در نتیجه در محیطی عاری از اعتماد که سطح مشارکت و شبکه های روابط اجتماعی نیز در آن کاهش یافته اند آنومی اجتماعی می تواند باعث کاهش سرمایه اجتماعی و در نتیجه افزایش خشونت از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها شود. به عبارت دیگر در محیط های بی هنجار، اعتماد اجتماعی کاهش یافته و در همان زمان کجروی و خشونت افزایش خواهد یافت (لدرمن و دیگران، ۱۹۹۹؛ به نقل از چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۰).

در کنار دو عامل محرومیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، مدارای اجتماعی سومین عاملی است که می توان از آن برای تبیین خشونت استفاده کرد، زیرا زمانی که در اثر شرایط آنومی احساس محرومیت در افراد ایجاد شده و به دنبال آن میزان اعتماد و همبستگی اجتماعی نیز کاهش می یابد، سطح تحمل و مدارای افراد جامعه در مقابل تفاوت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یکدیگر نیز کاهش می یابد و در واقع تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه سبب می گردد پیوندهای اجتماعی نیز کاهش یافته و افراد تحمل خود نسبت به پذیرش عقاید و نظرات مخالف خود را از دست داده و در نتیجه مدارای اجتماعی کاهش یابد.

Archive of SID

نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی^۱ که در دو تحقیق خود (۱۹۷۸-۱۹۶۹)، نوعی الگوی کنترل اجتماعی را ارائه داده است، الگویی که گاه نیز با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود و پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند می‌تواند تبیین کننده تأثیر مدارای اجتماعی بر خشونت باشد. از نظر هیرشی، افراد از لحاظ درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به میزان پیوستگی افراد با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه‌ای وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوند، از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. اعتقاد فرد با پیوند فرد به والدین آغاز می‌شود و از طریق پیوند با مدرسه و جامعه افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین میزان پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت قوانین جامعه رابطه‌ای وجود دارد و این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

هیرشی معتقد است، اگر بر اثر برخی از علقه‌های (پیوندها) اجتماعی نمی‌بود، مدارای اجتماعی شکل نمی‌گرفت و بدین ترتیب افراد گرایش به رعایت قوانین نداشتند و ملزم نبودند به آنها احترام گذارند (گسن، ۱۳۷۰: ۱۶۳). در واقع می‌توان گفت براساس نظر وی با کاهش یافتن پیوندهای اجتماعی در سطح جامعه و در نتیجه کاهش یافتن مدارای اجتماعی، امکان ارتکاب خشونت به عنوان یک رفتار ضد اجتماعی افزایش می‌یابد، چرا که خشونت وارد ساختن آسیب‌های عمدی فیزیکی یا روانی از سوی یک فرد یا گروه نسبت به فرد یا گروه دیگر تعریف می‌شود و بر همین اساس چنانچه میزان تعهد، وابستگی و تعلق فرد به ارزش‌های اجتماعی و نیز سایر افراد جامعه کاهش یابد امکان بروز رفتارهای خشونت آمیز از سوی وی افزایش می‌یابد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۶۴-۱۶۳).



نمودار ۱. مدل نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

تحقیقات داخلی

پژوهش‌های انجام شده در حوزه خشونت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول به مقوله خشونت در حوزه خانواده و به ویژه خشونت علیه زنان پرداخته و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و گروه دوم به عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت پرداخته و ارتباط خشونت را با مفاهیمی از قبیل سرمایه اجتماعی، محرومیت نسبی و... بررسی کرده‌اند که در ادامه به بررسی تحقیقات انجام شده پرداخته خواهد شد.

خشونت در حوزه خانواده

پژوهش‌های انجام شده در این حوزه خود به دو گروه خشونت علیه زنان و خشونت نوجوانان و جوانان تقسیم می‌شوند که در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

خشونت علیه زنان

از میان پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه می‌توان به محمدی، میرزایی (۱۳۹۱)،

Archive of SID

ملکی، نژادسبزی (۱۳۸۹)، یزدخواستی، شیری (۱۳۸۷)، توسلی، منیری فرد (۱۳۸۸)، اعزازی (۱۳۸۳)، همت زاده (۱۳۸۹) و رئیس، حسین چاری (۱۳۹۱) اشاره کرد. در این پژوهش ها عواملی از جمله کلیشه های جنسیتی، ساختار قدرت در خانواده، میزان دسترسی زنان به منابع ارزشمند، سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی به عنوان عوامل مؤثر در بروز خشونت در خانواده و به ویژه علیه زنان مورد آزمون قرار گرفته اند که بر اساس نتایج به دست آمده عوامل فوق الذکر در افزایش یا کاهش خشونت در خانواده و علیه زنان مؤثر هستند. در توضیح بیشتر باید گفت هر قدر دسترسی زنان به منابع ارزشمند بیشتر، میزان اعتقاد به کلیشه های جنسیتی کمتر و ساختار قدرت به سمت توازن و تعادل متمایل باشد و همچنین زنان از سرمایه اجتماعی بیشتر و رضایت از روابط زناشویی برخوردار بوده اند میزان خشونت کاهش یافته اما زمانی که زنان به عوامل فوق دسترسی نداشته و ساختار قدرت مردسالارانه و روابط زناشویی حالت مطلوبی نداشته میزان خشونت علیه زنان بیشتر شده است.

خشونت در بین نوجوانان و جوانان

پژوهش های انجام گرفته در این حوزه به بررسی عوامل مؤثر بر بروز خشونت در میان نوجوانان پرداخته اند که می توان به واعظ زاده و ایاسه (۱۳۹۵)، بابایی و دیگران (۱۳۹۲)، گلچین، حیدری (۱۳۹۱) و حسینی انجدانی (۱۳۸۷) اشاره کرد. از دید این پژوهشگران عواملی از قبیل خشونت والدین در خانواده، ساختار قدرت در خانواده، بازی های رایانه ای و مشاهده فیلم های خشونت آمیز بر میزان خشونت در میان نوجوانان مؤثر بوده و سبب افزایش میزان خشونت در میان نوجوانان می شود.

خشونت در حوزه اجتماعی

گروهی دیگر از پژوهش ها به نقش عوامل اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی، محرومیت نسبی و نقش محیط های بزهکارانه در بروز خشونت پرداخته اند که از آن جمله می توان به لهسای زاده (۱۳۹۱)، کشکولی و صادقی (۱۳۹۱)، نایی و دیگران (۱۳۹۰)، مدیری (۱۳۸۵) اشاره کرد که این دسته از پژوهش ها به بررسی عواملی از قبیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت، نقش محرومیت نسبی در بروز خشونت و همچنین تأثیر فضاهای شهری در ایجاد زمینه های شکل گیری رفتارهای خشونت آمیز پرداخته اند که نتایج به دست آمده حاکی از نقش عوامل فوق الذکر



در بروز و افزایش میزان خشونت داشته‌اند.

تحقیقات خارجی

در این بخش نیز تحقیقات انجام گرفته مانند تحقیقات داخلی در دو بخش تحقیقات انجام گرفته در حوزه خشونت علیه زنان و خشونت در حوزه خانواده قابل بررسی هستند که تحقیقات در حوزه خشونت علیه زنان به شیوه کیفی و مصاحبه عمیق به بررسی تجربه قربانیان خشونت با در نظر گرفتن متغیرهایی از جمله سن، نژاد، وضعیت اقتصادی، مهاجر بودن و کنترل اجتماعی پرداخته‌اند که می‌توان به؛ گروسمن و لاندی^۱ (۲۰۰۷)، لیندهورث و گیلمور^۲ (۲۰۰۷) و ویجک و بروجین^۳ (۲۰۱۲) اشاره نمود.

در خصوص پژوهش‌های انجام گرفته با موضوع خشونت در خانواده و عوامل مؤثر بر آن نیز می‌توان به رایت^۴ (۲۰۰۱)، لانگ و فریز^۵ (۲۰۰۸) و رایت و فیتزپاتریک^۶ (۲۰۰۶) اشاره کرد که نتایج به دست آمده نشان داده‌اند که پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین، زندگی بدون یکی از والدین، داشتن والدینی با سطح تحصیلات پایین و ارتکاب جرم توسط والدین احتمال خشونت در خانواده و در بین نوجوانان و جوانان را افزایش می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

- احساس محرومیت اجتماعی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران تأثیر دارد.
- مدارای اجتماعی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران تأثیر دارد.
- سرمایه اجتماعی بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران تأثیر دارد.

روش شناسی پژوهش

روش اجرای پژوهش حاضر پیمایش است. همچنین این پژوهش از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده

1. Grossman & Lundy
2. Lindhorse & Gilmore
3. Wijk & Bruijn
4. Wright
5. Leung & Ferris
6. Wright & Fitzpatrick

Archive of SID

شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد. باتوجه به این که خشونت در فضای عمومی و در سطح شهر پدیده‌ای است که عموماً شهروندان یا شاهد آن هستند و یا خود مرتکب آن می‌شوند؛ جامعه آماری این مطالعه تمامی شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۵ را در بر گرفت که تعداد آنها در حدود ۷ میلیون نفر بود. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه‌ی «نمونه‌گیری» برای تبیین نظرات افراد مورد مطالعه در خصوص بروز خشونت استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای اطمینان بیشتر حجم نمونه افزایش پیدا کرد و پرسشنامه‌ها در بین ۴۰۰ نفر پخش شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی می‌باشد. بدین صورت که شهر تهران به خوشه‌های شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم بندی شد و سپس از خوشه شمال منطقه ۱، خوشه جنوب منطقه ۲۰، خوشه غرب منطقه ۵، خوشه شرق منطقه ۴، و خوشه مرکزی منطقه ۶ انتخاب شدند. در مرحله آخر از هر منطقه یک محله انتخاب و در هر محله نقاطی از فضای عمومی مانند مترو، مرکز خرید، پارک و خیابان، انتخاب و پرسشنامه به صورت تصادفی در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و AMOS انجام شد و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست‌های آماری متناسب بکارگرفته شد. در جهت اطمینان از اعتبار پرسشنامه به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می‌باشد.



تعریف متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

خشونت

سازمان بهداشت جهانی نیز در تعریف خود از خشونت بیان می‌دارد: «خشونت استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارباب یا تهدید و برخورد با دیگری است که علیه یک گروه یا جامعه صورت گرفته و منجر به آسیب روانی، سوء رشد و تکامل یا محرومیت شود یا احتمال وقوع این نتایج متصور باشد از نظر مفهومی واژه خشونت ناظر به نوعی شدت عمل در مقابل دیگران به مفهوم کلی اعم از فردی، جمعی، کلامی، رفتاری، ایجابی و سلبی است» (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۲). براساس تعریف فوق که خشونت را در ابعاد فیزیکی و روانی تبیین می‌نماید و باتوجه به اینکه افراد در سطح شهر یا شاهد خشونت هستند و یا خود مرتکب خشونت چه به صورت فیزیکی و چه به صورت روانی می‌شوند، برای سنجش مفهوم خشونت از شاخص‌های خشونت فیزیکی و خشونت روانی و در غالب طیف لیکرت و گویه‌های زیر استفاده شده است.

گویه‌های مربوط به خشونت فیزیکی:

- به نظر من شرایط زندگی باعث شده تا مردم این روزها رفتارهای خشونت آمیز داشته باشند.
- پیش آمده که در زمان استفاده از وسائل نقلیه عمومی اقدام به هل دادن دیگران کرده باشم.
- معمولاً شاهد دعوا و کتک کاری در مترو، اتوبوس، پارک یا خیابان هستم.
- در زمان عصبانیت پیش آمده که اقدام به پرت کردن اشیا نمایم.
- دعوا و کتک کاری به یک رویه معمولی در شهر تبدیل شده است.
- بیشتر مردم احساس می‌کنند از طریق دعوا می‌توانند به حقشان برسند.
- اگر منع قانونی و اخلاقی وجود نداشت امکان داشت اقدام به کشتن افرادی بکنم که از آنها تنفر دارم.
- وقتی قوانین موجود تضمین کننده حقوق افراد نباشد افراد حق دارند با توسل به زور حق خود را بگیرند.

Archive of SID

■ پیش آمده که در زمان عصیانیت با همکاران، همسایگان و یا افراد خانواده درگیری فیزیکی داشته باشم.

■ استفاده از سلاح سرد در درگیری‌های فیزیکی در سطح شهر افزایش یافته است.

گویه‌های مربوط به خشونت روانی:

■ این روزها فحاشی و بدزبانی به یک امر معمولی در شهر تبدیل شد.

■ تقریباً هر روز می‌توان درگیری‌های کلامی را در سطح شهر مشاهده نمود.

■ در بیشتر مواقع شاهد توهین افراد به یکدیگر در سطح شهر هستم.

■ انگار افراد با توهین به یکدیگر می‌خواهند ابراز وجود کنند.

■ توهین و بدزبانی به نوعی هویت برای افراد تبدیل شده است.

■ استفاده از نقاط ضعف دیگران ابزار مناسبی برای وادار کردن آنها به انجام امور مطابق خواست ما است.

■ اگر از موضوعی ناراحت شوم با داد و بیداد، اعتراض خود را نشان می‌دهم.

■ رفتار احترام آمیز بهترین راه حل در مواجهه با افرادی است که اقدام به توهین و فحاشی می‌کنند.

■ اگر فردی کار بدی در حق من انجام دهد حتماً کار او را تلافی می‌کنم.

■ به رخ کشیدن ضعف‌های ظاهری یا شخصیتی دیگران احساس خوبی به من می‌دهد.

متغیرهای مستقل

سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی به سرمایه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می‌کنند، گفته می‌شود. سرمایه اجتماعی با مفاهیمی از قبیل جامعه‌ی مدنی و ارتباطات اجتماعی پیوند یافته است (آدام و رنسویچ، ۲۰۰۳: ۱۵۸). برای سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی از شاخص‌های اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی و گویه‌های زیر استفاده شده است: به نظر من بیشتر مردم قابل اعتماد هستند؛ اغلب مردم به وعده و قول‌های خود عمل نمی‌کنند؛ آدم تا از کسی بدی ندیده است، باید به او اعتماد کند.



۳۷

مدارای اجتماعی

مدارا به معنی احترام گذاشتن، پذیرش و درک غنای فرهنگ‌ها، اشکال و شیوه‌های انسان بودن است که به وسیله آگاهی، گشودگی، اندیشه و عقاید پرورش می‌یابد. مدارا هماهنگی در عین تفاوت‌هاست که تنها یک وظیفه اخلاقی به شمار نمی‌رود، بلکه یک نیاز قانونی و سیاسی است. مدارا فضیلتی است که صلح را امکان‌پذیر می‌کند و به جایگزینی «فرهنگ صلح» به جای «فرهنگ جنگ» کمک می‌کند (یونسکو، ۱۹۹۵؛ به نقل از اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۴). برای سنجش مفهوم مدارای اجتماعی از شاخص‌های مدارای قومی، مدارای عمومی، مدارای ملیتی و مدارای دینی و گویه‌های زیر استفاده شده است: در اقوام دیگر هم افراد خوب زیاد هستند؛ تحمل افرادی از سایر اقوام در محل زندگی برای من خیلی راحت نیست؛ پذیرش افراد سایر ادیان برای من کار سختی نیست؛ اگر فردی با من هم نظر نباشد با او معاشرت می‌کنم.

احساس محرومیت اجتماعی

باور به این که منابع و مزایای اجتماعی کمیاب از قبیل قدرت، ثروت و منزلت به صورت برابر در سطح جامعه توزیع نمی‌شود و این امر باعث دسترسی عده قلیلی از افراد و گروه‌ها به منابع مذکور شده و در مقابل اکثر افراد و گروه‌های جامعه از دسترسی به آنها محروم می‌مانند (اخلاقی پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۵). برای سنجش مفهوم محرومیت اجتماعی از شاخص‌های انزوای اجتماعی، از خودبیگانگی و عدم رضایت از زندگی و گویه‌های زیر استفاده شده است: احساس می‌کنم هر روز نسبت به گذشته تنهاتر شده‌ام؛ روابط با فامیل و خویشان را خیلی دوست ندارم؛ من با خویشان خودم وجه مشترک فکری و رفتاری ندارم؛ احساس می‌کنم زندگی برای من بی‌معنا شده است؛ احساس می‌کنم نیرویی برای پیشبرد اهداف زندگی‌ام ندارم.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های پاسخگویان

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۷/۷۵ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۲/۲۵ درصد دیگر را زن تشکیل داده‌اند. نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل

Archive of SID

نشان می دهد که ۴۳/۲۵ درصد افراد مورد مطالعه مجرد، ۴۹ درصد متأهل، ۲/۵ درصد متارکه، ۴ درصد مطلقه و ۱/۲۵ درصد فوت همسر می باشند. بر اساس یافته ها ۲/۷۵ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات ابتدایی، ۷/۷۵ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات راهنمایی، ۲۵/۵ درصد دارای سطح تحصیلات دیپلم، ۵۱/۷۵ درصد دارای سطح تحصیلات کاردانی و کارشناسی، ۱۰/۷۵ درصد دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و ۱/۵ درصد دیگر دارای سطح تحصیلات دکترا هستند.

توصیف متغیرهای اصلی

خشونت (متغیر وابسته)

جدول ۱. آمار توصیفی متغیر خشونت

وضعیت مولفه						شاخص های توصیفی		متغیر
جمع کل	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	انحراف معیار	میانگین	
۴۰۰	۴۰	۶۰	۱۴۰	۱۲۰	۴۰	۱/۱۰	۳/۱۰	خشونت فیزیکی
۱۰۰	۱۰/۰۰	۱۵/۰۰	۳۵/۰۰	۳۰/۰۰	۱۰/۰۰			
۴۰۰	۳۰	۹۰	۱۳۰	۱۱۰	۴۰	۱/۰۹	۲/۹۰	خشونت روانی
۱۰۰	۷/۵	۲۲/۵	۳۲/۵	۲۷/۵	۱۰			
						۰/۹۴	۳/۰۰	خشونت کلی

بر اساس جدول شماره ۱ میزان خشونت فیزیکی (۳/۱۰) و خشونت روانی (۲/۹۰) کمی پایین تر از حد متوسط می باشد. بنابراین خشونت فیزیکی کمی بیشتر از خشونت روانی است؛ میانگین کلی خشونت حاکی از سطح متوسط خشونت (۳/۰۰) می باشد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیر محرومیت اجتماعی

۳۹

وضعیت مولفه						شاخص های توصیفی		متغیر
جمع کل	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	انحراف معیار	میانگین	
۴۰۰	۳۰	۶۰	۱۵۰	۱۲۰	۴۰	۱/۰۵	۲/۸۰	انزوای اجتماعی
۱۰۰	۷/۵	۱۵	۳۷/۵	۳۰	۱۰			
۴۰۰	۱۰	۱۸۳	۱۶۰	۴۰	۷	۰/۷۶	۳/۳۷	از خودبیگانگی
۱۰۰	۷/۵	۱۵	۳۷/۵	۲۰	۲۰			
۴۰۰	۱۰	۱۷۰	۱۴۱	۶۹	۱۰	۰/۸۵	۳/۲۵	عدم رضایت از زندگی
۱۰۰	۲/۵	۴۲/۵	۳۵/۲۵	۱۷/۲۵	۲/۵			
						۰/۶۸	۳/۱۴	محرومیت اجتماعی

بر اساس جدول شماره ۲ میزان انزوای اجتماعی کمتر از متوسط (۲/۸۰)، میزان از خودبیگانگی بیشتر از متوسط (۳/۳۷) و عدم رضایت از زندگی بیشتر از متوسط (۳/۲۵) می باشد. بنابراین بیشتر پاسخگویان احساس محرومیت اجتماعی داشته اند؛ میانگین کلی محرومیت اجتماعی در سطح متوسط (۳/۱۳) می باشد.



جدول ۳. آمار توصیفی متغیر مدارای اجتماعی

وضعیت مولفه						شاخص های توصیفی		متغیر																																																			
جمع کل	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	انحراف معیار	میانگین																																																				
۴۰۰	۳۰	۱۷۷	۱۱۴	۳۹	۴۰	۱/۰۷	۳/۲۹	مدارای قومی																																																			
۱۰۰	۷/۵	۴۴/۳	۲۸/۵	۹/۸	۱۰				۴۰۰	۳۰	۶۰	۱۵۰	۸۰	۸۰	۱/۱۶	۲/۷۰	مدارای عمومی	۱۰۰	۷/۵	۱۵	۳۷/۵	۲۰	۲۰	۴۰۰	۸۰	۸۰	۱۲۰		۱۲۰	۱/۴۸	۳/۰۰	مدارای ملیتی	۱۰۰	۲۰	۲۰	۳۰	-	۳۰	۴۰۰	۲۰	۲۰۰	۱۰	۱۱۰	۶۰	۱/۱۱	۳/۲۷	مدارای دینی	۱۰۰	۵	۵۰	۲۷/۵	۲/۵	۱۵						
۴۰۰	۳۰	۶۰	۱۵۰	۸۰	۸۰	۱/۱۶	۲/۷۰	مدارای عمومی																																																			
۱۰۰	۷/۵	۱۵	۳۷/۵	۲۰	۲۰				۴۰۰	۸۰	۸۰	۱۲۰		۱۲۰	۱/۴۸	۳/۰۰	مدارای ملیتی	۱۰۰	۲۰	۲۰	۳۰	-	۳۰	۴۰۰	۲۰	۲۰۰	۱۰	۱۱۰	۶۰	۱/۱۱	۳/۲۷	مدارای دینی	۱۰۰	۵	۵۰	۲۷/۵	۲/۵	۱۵							۰/۸۰	۳/۰۶	مدارای اجتماعی												
۴۰۰	۸۰	۸۰	۱۲۰		۱۲۰	۱/۴۸	۳/۰۰	مدارای ملیتی																																																			
۱۰۰	۲۰	۲۰	۳۰	-	۳۰				۴۰۰	۲۰	۲۰۰	۱۰	۱۱۰	۶۰	۱/۱۱	۳/۲۷	مدارای دینی	۱۰۰	۵	۵۰	۲۷/۵	۲/۵	۱۵							۰/۸۰	۳/۰۶	مدارای اجتماعی																											
۴۰۰	۲۰	۲۰۰	۱۰	۱۱۰	۶۰	۱/۱۱	۳/۲۷	مدارای دینی																																																			
۱۰۰	۵	۵۰	۲۷/۵	۲/۵	۱۵										۰/۸۰	۳/۰۶	مدارای اجتماعی																																										
						۰/۸۰	۳/۰۶	مدارای اجتماعی																																																			

بر اساس جدول شماره ۳ میزان دو شاخص مدارای اجتماعی یعنی مدارای قومی (۳/۲۹)، مدارای مدارای دینی (۳/۲۷) و بالاتر از حد متوسط میزان شاخص مدارای عمومی (۲/۷۰) کمتر از متوسط و میزان شاخص مدارای ملیتی (۳/۰) متوسط می باشد. میانگی کلی مدارای اجتماعی نشان می دهد پاسخگویان به میزان متوسطی (۳/۰۶) به مدارای اجتماعی گرایش دارند.



۴۱

سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)

جدول ۴. آمار توصیفی متغیر سرمایه اجتماعی

وضعیت مولفه						شاخص های توصیفی		متغیرهای پژوهش
جمع کل	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	انحراف معیار	میانگین	
۴۰۰	۴۰	۱۶۰	۵۰	۹۰	۶۰	۱/۲۷	۳/۰۷	اعتماد اجتماعی
۱۰۰	۱۰	۴۰	۱۲/۵	۲۲/۵	۱۵			
۴۰۰	۴۰	۱۷۰	۵۰	۸۰	۶۰	۱/۲۷	۳/۱۲	مشارکت اجتماعی
۱۰۰	۱۰	۴۲/۵	۱۲/۵	۲۰	۱۵			
						۱/۱۲	۳/۰۹	سرمایه اجتماعی

بر اساس جدول شماره ۴ میزان دو شاخص سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی (۳/۰۷) و مشارکت اجتماعی (۳/۱۲) بالاتر از حد متوسط می باشد. میانگین کلی سرمایه اجتماعی نشان می دهد پاسخگویان به میزان بالاتر از حد متوسطی (۳/۰۹) سرمایه اجتماعی دارند.

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول) بین احساس محرومیت اجتماعی (انزوای اجتماعی، از خودبیگانگی و عدم رضایت از زندگی) با بروز خشونت ارتباط وجود دارد.

جدول ۶. همبستگی بین محرومیت اجتماعی با بروز خشونت

بروز خشونت		شاخص ها	نام متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	۰/۲۸	انزوای اجتماعی	احساس محرومیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۳۹	از خودبیگانگی	
۰/۰۰۱	۰/۳۳	عدم رضایت از زندگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۴	میزان کل محرومیت اجتماعی	

Archive of SID

یافته‌ها حاکی از آن است که بین ابعاد مختلف احساس محرومیت اجتماعی و همچنین میزان کل آن با بروز خشونت رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین بعد از خودبیگانگی و بروز خشونت ($P=0/39$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین بعد انزوای اجتماعی و بروز خشونت دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/28$) می باشد. همچنین رابطه بین عدم رضایت از زندگی با بروز خشونت ($P=0/33$) می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان احساس محرومیت اجتماعی ($P=0/34$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان بروز خشونت در بین شهروندان بیشتر می شود؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می شود. فرضیه دوم (بین مدارای اجتماعی (مدارای قومی، مدارای عمومی، مدارای ملیتی، مدارای دینی) با بروز خشونت ارتباط وجود دارد.

جدول ۷. همبستگی بین مدارای اجتماعی و بروز خشونت

بروز خشونت		شاخص ها	نام متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	-۰/۳۸	مدارای قومی	مدارای اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۴۳	مدارای عمومی	
۰/۰۰۰	-۰/۳۰	مدارای ملیتی	
۰/۰۰۰	-۰/۳۳	مدارای دینی	
۰/۰۰۰	-۰/۳۸	میزان کل مدارای اجتماعی	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین ابعاد مختلف مدارای اجتماعی و همچنین میزان کل آن با بروز خشونت رابطه منفی و معکوس و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین بعد مدارای عمومی و بروز خشونت ($P = -0/43$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین بعد مدارای قومی و بروز خشونت دارای کمترین ضریب همبستگی ($P= -0/38$) می باشد. همچنین رابطه بین مدارای دینی ($P= -0/33$) و مدارای ملیتی ($P= -0/30$) می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان مدارای اجتماعی ($P= -0/38$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان بروز

خشونت در بین شهروندان کمتر می شود؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می شود.
فرضیه سوم) بین سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) با
 بروز خشونت ارتباط وجود دارد.

جدول ۱. همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و بروز خشونت

بروز خشونت		شاخص ها	نام متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	-۰/۴۰	اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۲۴	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۰۰	-۰/۲۹	میزان کل سرمایه اجتماعی	

یافته ها حاکی از آن است که بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و همچنین میزان کل آن با گرایش به خشونت رابطه منفی و معکوس و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین اعتماد اجتماعی و بروز خشونت دارای ضریب همبستگی $(P = -0/40)$ و رابطه بین مشارکت اجتماعی با بروز خشونت $(P = -0/24)$ می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان سرمایه اجتماعی $(P = -0/29)$ و ابعاد آن بیشتر شود میزان بروز خشونت در بین شهروندان کمتر می شود؛ بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید می شود.

مدل معادله ساختاری

به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران در وضعیت های مختلف از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. این مدل معادله ساختاری از دو نوع مدل و انواعی از متغیرها تشکیل شده است. دو نوع مدل تشکیل دهنده مدل معادله ساختاری عبارتند از: ۱- مدل اندازه گیری ۲- مدل ساختاری. یک مدل اندازه گیری جزئی از مدل ساختاری است که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می کند. همچنین می توان گفت در مدل اندازه گیری مشخص می شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر

Archive of SID

پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند. در این مدل ۹ متغیر مشاهده شده وجود دارد که متغیرهای مشاهده شده H_1, H_2, H_3 ، معرف‌های متغیر پنهان محرومیت اجتماعی، متغیرهای مشاهده شده H_4, H_5, H_6, H_7 معرف‌های متغیر پنهان مدارای اجتماعی، متغیرهای مشاهده شده H_8, H_9 معرف‌های متغیر پنهان سرمایه اجتماعی و متغیرهای مشاهده شده F_1, F_2 معرف‌های متغیر پنهان خشونت می‌باشد. متغیرهای خطای z و d نیز نماد خطای اندازه‌گیری ۹ متغیر مشاهده شده هستند.

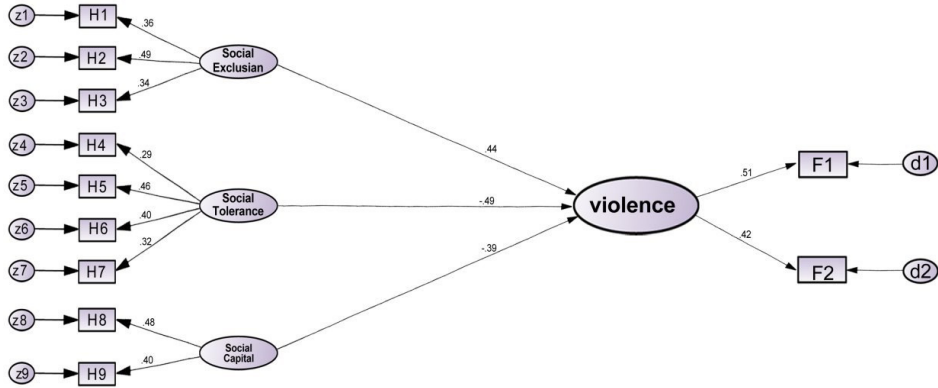
جدول ۹. متغیرهای موجود در مدل

متغیر	شاخص‌ها	نمادهای ترسیمی در مدل
احساس محرومیت اجتماعی	انزوای اجتماعی	H_1
	از خودبیگانگی	H_2
	عدم رضایت از زندگی	H_3
مدارای اجتماعی	مدارای قومی	H_4
	مدارای عمومی	H_5
	مدارای ملیتی	H_6
	مدارای دینی	H_7
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	H_8
	مشارکت اجتماعی	H_9
خشونت	فیزیکی	F_1
	روانی	F_2

با توجه به جهت پیکان‌ها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در متغیر پنهان زیر بنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. برای مثال در این مدل متغیر



پنهان ما محرومیت اجتماعی و شاخص مشاهده شده آن بعد اعتقادی (H1) است. به عبارت دیگر وزنی که H1, H2, H3, در مدل پژوهش دارند تعیین کننده میزان احساس محرومیت اجتماعی پاسخگو هستند.



در این مدل متغیر وابسته و پنهان ما خشونت و شاخص های مشاهده شده آن خشونت فیزیکی (F1) با بار عاملی (۰/۵۱) و خشونت روانی (F2) با بار عاملی (۰/۴۲) می باشد.

به عنوان مثال در متغیر وابسته ما یعنی خشونت اثر خشونت بر روی F1 با ۰/۵۱ این معنی را می دهد که متغیر پنهان خشونت بیشترین توان تحلیل F1 یا (گویه هایی که مستقیم به خشونت فیزیکی فرد مربوط می شوند) را با بالاترین ضریب دارد و در متغیر پنهان احساس محرومیت اجتماعی، از خودیگانگی با ضریب ۰/۴۹ بیشترین توان تحلیل این متغیر را داراست. در کل اثر متغیر مستقل مدارای اجتماعی با ضریب (-۰/۴۹) بیشترین تأثیر را بر میزان بروز خشونت داشته است. همچنین متغیرهای احساس محرومیت اجتماعی دارای ضریب تأثیر (۰/۴۴) و سرمایه اجتماعی (-۰/۳۹) بر متغیر بروز خشونت می باشند.

جدول ۱۰. شاخص‌های برازندگی مدل

مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها
۰/۸۳	NNFI	۰/۸۱	GFI	۲۶۹/۰۸	CMIN
۰/۸۰	NFI	۰/۷۹	AGFI	۰/۰۰، ۲۸۹	χ^2, df
۰/۰۶۸	RMSEA	۰/۸۱	CFI	۱۲/۶۳	CMIN/DF

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود. شاخص‌های برازش مقادیری آماری را به دست می‌آورند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب‌تر، یاری می‌کنند. شاخص‌های برازش زیادی وجود دارند، اما پرکاربردترین آنها که در عین حال، پایه و اساس سایر شاخص‌ها محسوب می‌شود χ^2 است (محمدی و امیری، ۱۳۹۲؛ به نقل از قنبری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۹۷). هر چه مقدار مجذور کای به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است. از آن‌جا که مقدار مجذور کای تحت تاثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می‌گیرد و مقدار آن بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. در نتیجه در کنار این شاخص، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود (اژه‌ای و همکاران، ۱۳۸۸ به نقل از قنبری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۹۷). شاخص دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص df/χ^2 است که اگر کوچک‌تر از ۳ باشد، نشانگر برازندگی الگو است. براساس قاعده کلی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم شده برازندگی (NFI) و نرم نشده برازندگی (NNFI) برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ تفسیر می‌شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان‌دهنده برازش نسبتاً خوب مدل هستند. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) که لوهین^۱ (۲۰۰۴) برای برازندگی این شاخص، پیشنهاد نمود که در صورتی که کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد، نشان‌گر برازندگی خوب، ۰/۰۸

1. - Loehlin

تا ۰/۱، نشانگر برازندگی قابل قبول و مقادیر نزدیک تر به صفر نشانگر بیشترین برازندگی هستند. در جدول فوق نتایج تحلیل عامل مرتبه اول مدل فوق نشان داده شده است که مقدار مناسبی است.

نتیجه گیری

خشونت در فضای شهری می تواند زمینه ساز اختلال و ناامنی در زندگی شهروندان و امنیت اجتماعی شود. براساس نظریه های صاحب نظران و تحلیل گران علوم اجتماعی باید گفت که به وجود آمدن یک رفتار خشونت آمیز تابع علل و عوامل اجتماعی و روانی مختلفی است. ماهیت تأثیرپذیری خشونت در محیط های شهری حاصل تأثیرپذیری آن از شرایط مختلف تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است و همین امر باعث شده تا خشونت اجتماعی از حیث نظری و تجربی در قالب شاخص ها و معیارهای مختلفی مورد سنجش قرار گیرد.

در مطالعه حاضر عوامل موثر بر خشونت در فضای عمومی شهر تهران با تأکید بر سه مؤلفه احساس محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. براساس یافته های پژوهش میان احساس محرومیت اجتماعی و سه مؤلفه اصلی آن یعنی انزوای اجتماعی، ازخودبیگانگی و عدم رضایت از زندگی ارتباط مثبت، مستقیم و معنی دار وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل همبستگی نشان می دهند که محرومیت اجتماعی با خشونت در بعد ازخودبیگانگی ($r=0.39/P=0$)، در بعد عدم رضایت از زندگی ($r=0.33/P=0$) و در بعد انزوای اجتماعی ($r=0.28/P=0$) دارای رابطه معنا دار است که از میان این سه بعد بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین انزوای اجتماعی و خشونت مشاهده می شود. نتایج نشان می دهد که براساس آنچه نظریات مربوط به رابطه میان محرومیت اجتماعی و خشونت مطرح کرده اند، افراد به دنبال آن هستند که از طریق وسائل و امکانات مشروع به اهداف مشروع دست یابند و زمانی که نتوانند میان این دو ارتباطی منطقی برقرار سازند به شدت مستعد رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت آمیز خواهند بود زیرا جامعه دائماً در تلاش برای بالا بردن سطح انتظارات ارزشی افراد است اما در عمل، افراد اقدامات مؤثری در راستای پاسخگویی به این انتظارات نمی بینند، به تدریج این عدم تناسب و دست نیافتن به اهداف سبب ایجاد احساس عدم رضایت از زندگی و در نتیجه سرخوردگی و انزوا و شکل گیری احساسات منفی و پرخاشگرانه

در افراد می شود.

یافته دیگر پژوهش حاکی از آن است که بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و میزان کل آن ($P=0/29$) با بروز خشونت رابطه منفی، معکوس و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین اعتماد اجتماعی و بروز خشونت دارای ضریب همبستگی ($P=0/40$) و رابطه بین مشارکت اجتماعی با بروز خشونت ($P=0/24$) می باشد. این نتایج به خوبی نشان می دهد که چگونه در شرایط آنومی اجتماعی، خشونت اتفاق می افتد. به تعبیر دیگر چنانچه نظریه بی سازمانی اجتماعی به آن اشاره می کند در شرایطی که شبکه های اجتماعی، ضعیف و مشارکت در جامعه کم و اعتماد نیز اندک است، افراد جامعه نسبت به یکدیگر بی اعتماد شده و احساس همبستگی میان آنها کاهش می یابد و این موضوع سبب می گردد تا در مواجهه با شرایط پرتنش و در فقدان تعلقات اجتماعی، افراد توانایی تخلیه فشارهای محیطی را نداشته و لذا دست به اعمال خشونت آمیز بزنند. بنابراین می توان گفت آنومی موجب تخلیه سرمایه اجتماعی و افزایش خشونت از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها می شود.

دیگر متغیر پژوهش که نتایج حاصل شده نشان از رابطه منفی، معکوس و معنادار بین میزان کل آن ($P=0/38$) با بروز خشونت در فضای عمومی شهر تهران را دارد، مدارای اجتماعی است که بین ابعاد مختلف آن که شامل مدارای عمومی ($P=0/43$)، مدارای دینی ($P=0/33$)، مدارای ملیتی ($P=0/30$) و مدارای قومی ($P=0/38$) است با خشونت رابطه وجود دارد. نتایج به دست آمده نشان می دهد که در میان ابعاد مختلف مدارای اجتماعی که بر بروز خشونت تأثیر می گذارند، مدارای عمومی که به معنی پذیرش همزیستی مسالمت آمیز میان انسان های متفاوت و مدارا نسبت به حالت های مختلف انسان بودن است بیشترین ضریب همبستگی و رابطه را با بروز خشونت داشته است.

در توضیح این نتایج باید گفت اهمیت مدارای اجتماعی در ارتباط با بحث عدالت اجتماعی قرار دارد زیرا در شرایطی که افراد احساس محرومیت و تبعیض داشته باشند، مدارا فاقد محتوایی غنی خواهد بود زیرا افراد خود را با دیگرانی مقایسه می کنند که از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی در شرایط بهتری به سر می برند و در نتیجه این امر سبب شکل گیری روابط مایی و آنهایی شده و به نظر

هیرشی در چنین شرایطی پیوند اجتماعی میان افراد جامعه که تعهد وهمبستگی را به دنبال دارد کاهش یافته و سبب می‌گردد تا افراد تحمل سایر گروه‌های متفاوت به لحاظ دینی، قومی یا ملیتی را نداشته باشند.

نتایج فوق‌الذکر درکنار مدل معادله ساختاری (AMOS) که نشان می‌دهد اثر متغیر مستقل مدارای اجتماعی با ضریب (-۰/۴۹) بیشترین تأثیر را بر میزان بروز خشونت داشته و پس از آن متغیر احساس محرومیت اجتماعی با ضریب تأثیر (۰/۴۴) و سرمایه اجتماعی با ضریب تأثیر (-۰/۳۹) قرار دارند، حاکی از آن است که در شرایط فعلی جامعه ما که به نقل از آبراهامیان شبیه موزاییک‌های اجتماعی رنگارنگی است که از کنار هم قرار گرفتن اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت ساخته شده است و به ویژه شهر تهران با تفاوت‌های گسترده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناسی؛ مدارای اجتماعی که خود تحت تأثیر افزایش احساس محرومیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی است نقشی به‌سزا در بروز خشونت دارد. در توضیح بیشتر باید گفت چنانچه اشاره شد مدارای اجتماعی در ارتباط مستقیم با عدالت اجتماعی تعریف می‌شود، زیرا در شرایطی که افراد از امکانات برابر برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های مورد قبول جامعه برخوردار نباشند دچار احساس یأس و ناامیدی می‌شوند که این موضوع خود سبب می‌گردد تا شبکه تعاملات و همبستگی و اعتماد فرد به ارزش‌های مورد وفاق جامعه کاهش یابد. نتیجه چنین شرایطی ایجاد نوعی احساس خشم از شرایط موجود و ایجاد مرزهای ذهنی میان فرد با سایرینی می‌شود که آنها را در موقعیت‌هایی برتر از خود می‌بیند و این موضوع سبب می‌گردد که اقدام به جداسازی خود با دیگران کند و در نتیجه پیوندهای اجتماعی که سبب مدارا در جامعه می‌گردد کاهش می‌یابند. به نظر می‌رسد در کنار تلاش برای کاهش تبعیض در سطح جامعه و فراهم کردن شرایط مناسب ارتقاء اجتماعی نظیر شغل، درآمد مناسب و امکان داشتن زندگی خانودگی مطلوب برای افراد که سبب افزایش احساس رضایتمندی از زندگی و آرامش بیشتر افراد می‌شود، سیاست‌های ارتقای فرهنگ عمومی در راستای افزایش میزان تحمل و مدارای اقشار مختلف اجتماع در کنار بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی و اسلامی و ترویج آنها در جامعه نیز می‌تواند در افزایش سطح مدارای اجتماعی در میان شهروندان مؤثر باشد چرا که امروزه آنچه بیشتر اهمیت یافته است توجه به ابعاد

Archive of SID

مادی به تصور داشتن زندگی بهتر است که این امر خود می تواند سبب بروز فشارها و تنش های روانی زیادی شود اما توجه به آموزه های اخلاقی و دینی و تأکید آنها بر این موضوع که سلامت فرد و جامعه در گرو رفتار نیک مردم با یکدیگر، تواضع و فروتنی، صبر و حوصله و عطف و از خودگذشتگی است در کنار سیاست های ارتقاء فرهنگ عمومی می تواند در جهت افزایش میزان مدارا و تحمل افراد جامعه و در نتیجه کاهش خشونت مؤثر باشد.

پیشنهاد های کاربردی

- تدوین برنامه های مرتبط با آموزش مهارت های کنترل خشم و ترویج آموزه های اخلاقی و دینی در مدارس و نهادهای آموزشی در افزایش فرهنگ مدارا و کاهش تنش های روانی ناشی از فشارهای روزمره و کاهش خشونت مؤثر خواهد بود.
- نهادهای انتظامی و قضائی مانند نیروی انتظامی از طریق آموزش های همگانی و آگاهسازی مردم و جوانان نسبت به تبعات و پیامدهای ناخوشایند نزاع و درگیری و فرهنگ سازی در خصوص رفع و رجوع اختلافات فردی از طریق مذاکره و در نهایت راه های قانونی و رسمی می توانند در افزایش سطح مدارا در جامعه مؤثر باشد.
- ترویج فرهنگ ساده زیستی و تلاش در جهت نهادینه کردن ارزش های معنوی در جامعه از طریق فرهنگ سازی و آموزش از سوی نهادهای متولی امر فرهنگ سبب شکل گیری فرهنگ احترام متقابل در میان افراد جامعه در سایه درک تفاوت ها و رفتار مسالمت آمیز و در نتیجه منجر به کاهش میزان احساسات منفی و افزایش میزان همبستگی و تعلق خاطر افراد با یکدیگر و کاهش خشونت می گردد.

- احمدی، حبیب (۱۳۸۷). جامعه شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- ۵۱ ● اخلاقی پور، منصور؛ حیدرخانی، هاییل؛ عزیزی، جلیل (۱۳۹۳). «بررسی میزان قانون گریزی در شهر بندرعباس با تأکید بر عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر آن». دانش انتظامی هرمزگان، دوره ۵، شماره ۹.
- اصفهانی، علی نصر؛ حاجیان، طالب؛ کریمی، مهدی؛ رضوانی، سیدمرتضی (۱۳۹۱). «بررسی تحمل و مدارا در رهبری سازمان با تکیه بر دیدگاه نهج البلاغه». فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۲
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان». فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۴
- بابایی، محبوبه؛ ذوالقدر، علی؛ ندرلو، سکینه؛ ذوالقدر، حمید. (۱۳۹۲). «عوامل و ریشه های خشونت در بین دانش آموزان دوره دبیرستان آذرشهر». مطالعات علوم اجتماعی ایران: دوره ۱۰، شماره ۳۹.
- تنهایی، حسن (۱۳۹۱). بازشناسی تحلیلی نظریه های مدرن جامعه شناسی در مدرنیته میانی: بنیانگذاران. تهران: نشر علم
- توسلی، افسانه؛ منیری فر، سارا (۱۳۸۸). «مطالعه جامعه شناختی تاثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر خشونت دیدگی زنان در جریان زندگی زناشویی - مطالعه موردی کارمندان و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران». فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۵، شماره ۲۰
- چلبی، مسعود؛ مبارکی، محمد (۱۳۸۴). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان». مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲.
- حبیب زاده محمدجعفر؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۳). «خشونت و نظام عدالت کیفری»، شیراز: نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۱، شماره ۲.
- حسینی انجدانی، مریم (۱۳۸۷). «بررسی تاثیر تماشای کارتونهای خشونت آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان»؛ پژوهش های ارتباطی دوره، ۱۵، شماره ۵۴
- رئیسی، طاهره؛ حسینی چاری، مسعود (۱۳۹۱). «بررسی زمینه های خشونت علیه زنان در خانواده». فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۸، شماره ۲۹

- سازمان پزشکی قانونی کشور. (۱۳۹۵). آمارنامه جرایم خشونت.
- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۹۰). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: سمت.
- طاهری، محمدعلی (۱۳۸۱)، جایگاه خشونت در حقوق کیفری. رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- عرب نژاد، فاطمه و یزدان پناه، لیلا. (۱۳۹۰)، «عوامل مرتبط با خشونت و سابقه آن در بین جوانان ۳۵-۱۸ سال زندان کرمان». رفاه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴۳.
- قبری، نوذر؛ حیدرخانی، هاییل؛ رستمی، مسلم. (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه بین هویت ملی و دینی با پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه». مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری): دوره ۶، شماره ۱۹.
- کشکولی، کریم؛ صادقی، سهیلا (۱۳۹۱). «تصور افراد نسبت به خشونت و میزان شیوع آن از نظر پاسخگویان». راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره ۳.
- گسن، ریمون. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جرم شناسی. ترجمه مهدی کی نیا. تهران: انتشارات مترجم.
- گلچین، مسعود؛ حیدری، علی حیدر (۱۳۹۱). «خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه». مسائل اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۱.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۹۱)، «نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه نشین مورد مطالعه: شهر کرمانشاه». مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۲، شماره ۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم. تهران: نشر آن.
- محمدی، فائزه؛ میرزایی، رحمت (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان- مطالعه موردی شهرستان روانسر». مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). «جرم و خشونت در ایران: جرم و خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر». رفاه اجتماعی، شماره ۲۲.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴). سالنامه آماری.
- ملکی، امیر؛ نژاد سبزی، پروانه (۱۳۸۹). «رابطه مولفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد». بررسی مسائل اجتماعی

ایران، دوره ۱، شماره ۲.

- ناییبی، هوشنگ؛ صدیق سروستانی، رحمت اله؛ قهرمانی، سهراب (۱۳۹۰). «نقش فضاهای بی دفاع شهری در رفتارهای خشونت آمیز». دانش انتظامی، شماره ۵۰.
- واعظ زاده، ساجده و ایاسه، علی. (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر رفتار خشونت آمیز جوانان: مطالعه موردی محلات حاشیه‌ای و غیر حاشیه‌ای شهر کرمانشاه». دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم اجتماعی.
- همت زاده، زهرا (۱۳۸۹). «بررسی علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در فضای خصوصی و عمومی - شهرستان ارومیه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات.
- وایت، راب و هینز، فیونا. (۱۳۹۵). جرم و جرم شناسی. ترجمه علی سلیمی. تهران: موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- یزدخواستی، بهجت؛ شیری، حامد (۱۳۸۷). «ارزشهای پدرسالاری و خشونت علیه زنان». مطالعات زنان، دوره ۶، شماره ۳.

- Adam, France & Roncevic, Borut (2003), Social capital: recent debates and research trends social science information, 183-42:155
- Grossman, Susan & Lundy, Marta (2007); "Domestic violence across race and ethnicity: implications for social work practice and policy; Violence against women, Vol 13
- Leung, Ambrose & J. Stephen Ferris. (2008). School size and youth violence. Journal of economic behavior & organization, :65 333 – 318.
- Lindhorse, Talin & Oxford, Monika & Rogers Gillmore, Mary (2007); "Longitudinal effects of domestic violence on employment and welfare outcomes; Journal of interpersonal violence, Vol 22
- Sadock BJ-Sadock VA (2003). synopsis of psychiatry Behavioral sciences/ clinical psychiatry, ninth edition, lippincott Williams & wilkins, 58 -150.
- Wijk, Van & Bruijn (2012); "Risk factor for domestic violence in

- Winton,A(2004),Urban violence: Aguide to the literature,Enviroment and urbanization,184-165,(2)16
- Wright. John;Cullen,Paul;Francies T;Miller,Jeremy(2001),Family social capitaland delinquent involvement,Journal of criminal justice,9-29:1
- Wright Darlene R. & Kevin, M. Fitzpatrick. (2006). Social capital and adolescent violent behavior: correlate of fighting and weapon use among secondary school students, Social Force, -1435 :(3) 84 1453.
- Zolotor, Adam J & Unyan, Desmond K. (2006). Social capital, family violence, and neglect. Peediatrics. Vol. 117. No 6, June 1131-1124 .2006.